

قرار می گیرد.

گاهی برخی از مردم به جای اتفاق از اصطلاح «شانس» استفاده می کنند.

سوال ؟

نقش و اقدامات مؤثر فیلسوفان در برابر برخورد با این مفاهیم چیست؟ (صفحه 24)

پاسخ : الف- دقت در مفاهیم عامیانه ب- نقد و تصحیح ج- تعمیق و تأمل در آن

قبل از پرداختن به معانی اتفاق یک بار دیگر نتایج اصل علیت و فروع یا لوازم آن را که «اتفاق» در برابر آن قرار می گیرد، بررسی کنیم. (صفحه 25)

1- با قبول اصل علیت

الف- به «ارتباط و پیوستگی» اجزای جهان پی می بریم و

ب- با مواجهه با هر پدیده ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن هستیم

2- با قبول اصل وجوب بخشی علت به معلول

الف- تخلف ناپذیری و «حتمیت» در نظام هستی

ب- جهان تابع رابطه ای «ضروری» است که اگر علت با تمام حقیقت خود (علت تامه) تحقق پیدا کرد، تحقق معلول حتمی و ضروری می شود

علت تامه: (تمام حقیقت) اگر تمامی عوامل پدید آورنده ، حاضر باشند؛ مانند آب ، خاک، نور، بذر مناسب و مراقبت ، برای پیدایش یک گل ( لازم و کافی برای به وجود آمدن معلول یعنی گل است)

علت ناقصه: اگر تنها یک یا چند عامل پدید آمدن شی حاضر باشد؛ مانند آب و خاک برای گل ( فقط لازم برای تحقق معلول اما کافی نیست)

توضیح : برخی فکر می کنند علت می تواند موجود باشد و معلول تحقق نیابد؛ این گروه علت ناقصه را به جای علت تامه می گیرند که برای به وجود آمدن معلول لازم است اما کافی نیست و به تنهایی به وجود آورنده نخواهد بود.

3- اصل سنخیت میان علت و معلول

الف- نظم و قانون مندی میان پدیده ها

ب- ارتباط خاص و نظمی خاص - علت های خاص ، معلول های خاص

نکته قابل توجه:

ارتباط و پیوستگی - اصل علیت

ارتباط و پیوستگی حتمی و ضروری - اصل وجوب بخشی علت به معلول

ارتباط و پیوستگی خاص و معین - اصل سنخیت علت و معلول

معانی «اتفاق» در مقابل اصول فوق قرار می گیرد

چند نمونه برای کاربرد «اتفاق»

● بعد از فراگیری معانی «اتفاق» این نمونه ها را با هر کدام تطبیق داده و بگویید با کدام معنا سازگاری بیشتری دارد.

نمونه اول: دموکریتوس – فیلسوف یونان باستان: ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیر متناهی پراکنده هستند، برخورد «اتفاقی» آن ها سبب پیدایش عناصر و اشیا فعلی در جهان است.

نمونه دوم: از دانشمندان زیست شناس – معتقدند در طول عمر زمین جانداران بیشماری پدید آمده اند و تنها آن دسته از جاندارانی که تغییرات اندامی شان «اتفاقی» سازگار با محیط بوده است به رشد خود ادامه داده و اگر در این میان تکاملی رخ داده «اتفاقی» بوده است.

نمونه سوم: بینگ بنگ یا انفجار بزرگ – برخی از دانشمندان می گویند که جهان کنونی ما یعنی این میلیارد ها کهکشان با یک انفجار بزرگ (بینگ بنگ) آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است.

بررسی معانی اتفاق

معنای اول اتفاق:

الف- میان علت و معلول آن رابطه «حتمیت» وجود ندارد. (انکار اصل وجوب بخشی علت به معلول که از فروع اصل علت است). چه بسا یک علت موجود شود اما معلول آن آن پدید نیاید؛ مثلا همه عوامل پیدایش باران موجود باشند، اما باران نیاید.

ب- و چه بسا یک معلول «بدون وجود علت» پیدا شود. (انکار اصل علت)

اصل علت – هر حادثه یا معلولی، علتی دارد.

معنای دوم اتفاق:

ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید. (انکار اصل سنخیت علت و معلول)

مثلا حرارت سبب یخ بستن آب و آفتاب سبب تاریکی شود؛ یعنی سنخیتی میان علت و معلول نباشد.

معنای سوم اتفاق:

نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان. (انکار اصل غایی)

یعنی که این حرکات و نظام ها به سمت غایت و هدف معینی به پیش نمی رود.

توضیح: کسی که برای جهان هدف قائل است، حوادثی را که در جهان اتفاق می افتد اتفاقی نمی داند بلکه برای آن هدفی قایل است که در نهایت به سوی آن می رود اما کسی که برای جهان هدفی قائل نیست، حوادث را اتفاقی می داند.

معنای چهارم اتفاق:

معنای چهارم که بی ارتباط با اصل «علت» نیست، رخ دادن «حادثه پیش بینی نشده» است.

مثلاً یک شخصی برای خرید به بازار می رود و دوستش را در بازار می بیند و بعد می گوید: من امروز اتفاقی دوستم را دیدم.

### بررسی معانی اتفاق

نظر فیلسوفان در باره معانی مختلف اتفاق:

1- معنای اول اتفاق – الف- فیلسوفی یافت نمی شود که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق باشد

ب- همه فیلسوفان چنین اتفاقی را انکار می کنند

2- معنای دوم اتفاق – الف- اتفاق به این معنا از نظر «بسیاری از فلاسفه» از جمله ابن سینا، ملاصدرا و علامه طباطبایی و «برخی» از فیلسوفان اروپایی امکان پذیر نیست.

ب- اگر کسی به طور جدی اصل سنخیت را انکار کند، به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد.

ج- اگر کسی اصل سنخیت علت و معلول را انکار کند؛ نمی تواند نظم و هماهنگی در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد.

د- انکار اصل سنخیت بی اعتباری تمام علوم و هرچ و مرج در جهان را به دنبال دارد

3- معنای سوم اتفاق – در برابر معنای سوم اتفاق فیلسوفان به دو دسته تقسیم می شوند

الف- آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم «اصل علیت» به «علت العلیل» معتقدند و برای مجموع هستی یک علت حقیقی (خداوند) قائل هستند و می گویند هر فرایند طبیعی و هر سیر و تحولی در طبیعت هدفی خاص را تعقیب می کند؛ بنابراین این معنای سوم اتفاق را نمی پذیرند

ب- آن دسته از فیلسوفانی که به علت العلیل معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند و وجود برخی فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می آورند.

4- معنای چهارم اتفاق – معنای چهارم اتفاق بر مبنای قبول سه اصل علیت ضرورت و سنخیت است؛ در حقیقت این معنای اتفاق به نقص دانش انسان نسبت به امور بر می گردد نه انکار علیت در خارج، از آنجا که انسان نسبت به امور پیرامون خود اطلاع بسیار اندکی دارد حوادث غیر مترقبه را پیش بینی نکرده و اتفاقی می داند. پس این معنای اتفاق می تواند صحیح باشد.

### سوالات تشریحی

1- «اتفاق» در نزد کدام اقوام و ملل کاربرد دارد و آیا تمام امور را اتفاقی می دانند؟

پاسخ:

در نزد «همه» اقوام و ملل کاربرد دارد و مردم «برخی» امور را «اتفاقی» می دانند و برخی را نه

2- آیا فیلسوفان نیز از واژه «اتفاق» استفاده می کنند؟

پاسخ: بله مانند دمو کریتوس که اشیا جهان را حاصل برخورد اتفاقی ذرات پراکنده و تجزیه نپذیر می داند. و این سخن وی، اتفاق به معنای اول و «انکار اصل علیت» است.

3- نظریه «تکامل اتفاقی» موجودات که در دوره های اخیر مطرح شده چیست و با کدام معنای اتفاق

سازگار است؟

پاسخ: برخی دانشمندان زیست شناس معتقدند فقط آن دسته از جاندارانی که تغییرات اندامی شان «اتفاقا» سازگار با محیط بوده است به حیات ادامه داده و رشد کرده اند و اگر در این میان «تکاملی» رخ داده ، «اتفاقی» بوده است.

با اتفاق به معنای سوم سازگار است که نفی اصل غایی و هدفمندی و غایتمندی جهان است.

4- نظریه «بینگ بنگ» یا «مه بانگ» چیست و با کدام معنای اتفاق سازگار است؟

پاسخ: «امروزه» برخی از دانشمندان می گویند که جهان کنونی ما ، یعنی این میلیارد کهکشان با یک انفجار بزرگ «بینگ بنگ» آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است.

این نظریه نیز با معنای اول اتفاق یعنی انکار اصل «علیت» سازگار است.

5- کدام واژه در بین مردم ، معادل با واژه اتفاق به کار می رود؟

پاسخ: واژه «شانس»

6- از تلاش ها و اقدامات مؤثر فیلسوفان در برابر استفاده و کاربرد این مفاهیم از طرف مردم چه بوده است؟ (معال بزنید)

پاسخ: از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان الف- دقت در مفاهیم عامیانه ب- نقد و تصحیح آن ج- تعمیق در آن ها بوده است.

ابن سینا در کتاب فلسفی خود بخش الهیات «شفا» هم در باره «اتفاق» و هم در باره «شانس» سخن گفته و تلاش کرده نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح کند.

7- نتیجه پذیرش اصل علیت چیست؟

پاسخ: الف- با قبول این حقیقت که «هر حادثه علتی دارد» ، به «ارتباط» اجزای جهان با یکدیگر و «پیوستگی» شان پی می بریم

ب- با مواجهه با هر پدیده ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن بر می آییم.

8- نتیجه پذیرش اصل علیت.....و.....اجزای جهان است.

پاسخ: ارتباط- پیوستگی

9- نتیجه پذیرش اصل وجوب بخشی علت به معلول چیست؟

پاسخ: جهان را تابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد، به گونه ای که اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می کند که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می شود.

10- بر اساس کدام اصل باغبان بذر می کارد و آبیاری می کند و راننده خودرویش را به جلو هدایت می کند؟

پاسخ: اصل وجوب بخشی علت به معلول

11- نتیجه پذیرش اصل سنخیت چیست؟

پاسخ : الف-«نظم خاصی» در جهان برقرار است و هر چیزی نمی تواند منشأ هر چیزی باشد

ب- علت های خاص معلول های خاص به دنبال دارد.

12- نظم خاص نتیجه پذیرش اصل .....است.

پاسخ: سنخیت علت و معلول

13- موارد سمت راست را به موارد سمت چپ ارتباط دهید.

1- اصل علیت الف- نظم و قانونمندی میان پدیده ها

2- اصل وجوب بخشی علت به معلول ب- ارتباط و پیوستگی

3- اصل سنخیت میان علت و معلول ج- تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی

پاسخ : ا- ب 2-ج 3-الف

14- معنای اول اتفاق چیست و دیدگاه فیلسوفان در باره آن چیست؟

الف- پاسخ: معنای اول اتفاق این است که میان علت و معلول آن «رابطه حتمیت» وجود ندارد، چه بسا یک علت موجود شود اما معلول آن پدید نیاید.

ب- یا چه بسا یک معلول بدون علت به وجود آید

همه فیلسوفان چنین اتفاقی را انکار می کنند و می گویند هر معلولی به علت نیاز دارد و نمی تواند بدون علت باشد.

15- معنای دوم اتفاق چیست و دیدگاه فیلسوفان در رابطه با آن چیست؟

پاسخ: معنای دوم اتفاق این است که ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید؛ یعنی سنخیتی میان علت و معلول نباشد. مثلاً یخ از گرما و آب جوش از سرما پدید آید.

بسیاری از فلاسفه از جمله ابن سینا، ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی از فیلسوفان اروپایی آن را انکار می کنند و معتقدند اگر اصل سنخیت انکار شود، الف- کسی به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد- نمی تواند نظم طبیعت را تبیین کند ج- نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها دعوت کند د- بی اعتباری همه علوم و هرج و مرج را به دنبال دارد

16- بی اعتباری همه علوم نتیجه انکار اصل .....است؟

پاسخ: اصل سنخیت علت و معلول

16- معنای سوم اتفاق چیست و دیدگاه فیلسوفان در باره آن چیست؟

پاسخ: نبودن غایت و هدفی خاص در حرکات و نظم جهان است؛ بدین معنا که این حرکات و نظام ها به سمت غایت و هدف مشخص به پیش نمی رود.

فیلسوفان در برابر معنای سوم اتفاق بر دو دسته اند:

دسته اول : پس معنای سوم اتفاق را نمی پذیرند

دسته دوم ، به علت العلل معتقدند نیستند غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند.

17- معنای چهارم اتفاق چیست و آیا این معنای اتفاق صحیح است؟ با دلیل بنویسید.

پاسخ معنای چهارم اتفاق رخ دادن حادثه پیش بینی نشده است

مثلا من اتفاقا امروز در خیابان دوستم را دیدم

معنای چهارم اتفاق بر مبنای قبول سه اصل علیت ، ضرورت و سنخیت است . در واقع این معنای اتفاق به «نقص دانش انسان نسبت به امور» باز می گردد نه انکار علیت در خارج و از آنجا که انسان نسبت به امور پیرامون خود اطلاع بسیار اندک و محدودی دارد، حوادث غیر مترقبه را که قبلا پیش بینی نکرده، اتفاقی قلمداد می کند.

این معنای اتفاق صحیح است.

18- علت تامه و ناقصه چیست؟

پاسخ: آنجا که معلول ناشی از «مجموعه چند عامل» است که روی هم ، علت پدید آمدن آن معلول اند، « هر یک از عوامل» را «علت ناقصه» و «مجموعه عوامل» را «علت تامه» می نامند.

مثلا برای پیدایش گل هر یک از عوامل مختلف مثل (آب - خاک- بذر مرغوب- آفتاب و مراقبت) به تنهایی علت ناقصه و مجموع آن ها با هم علت تامه است.

علت ناقصه شرط لازم و علت تامه شرط لازم و کافی برای پدید آمدن معلول است.

#### سوالات تست

1- برای انسانی که دارای استعداد «فکر کردن» است، مهم ترین عاملی که او را در مجرای تفکر می-اندازد، ادراک کدام اصل فلسفی است و مفهوم چرا، ذهن انسان را به کدام مسئله متوجه می-کند؟

1-فطرت ثانی- علیت 2- علت و معلول- فطرت ثانی

3-علت ومعلول- علیت 4-فطرت ثانی- فطرت ثانی

2-تعریف علت چیست؟

1-چیزی که وجود معلول از آن جدا نمی-شود

2-چیزی که معلول در کیان و هستی خود به آن نیازمند است

3-چیزی که در کیان و هستی معلول ساری و جاری است

4- چیزی که در کیان و هستی خود به چیز دیگر نیازمند است

3-رابطه-ی بین علت و معلول، در مبانی حکمت مشاء.....علت و معلول است و قبول اصل علیت، با نفی.....هماهنگی دارد.

1-در خود وجود- تصادف 2- فرع بر وجود- تصادف

3-در خود وجود- تقدم شیء بر نفس 4- فرع بر وجود- تقدم شیء بر نفس

4- اعتقاد به صدفه مستلزم چیست؟

1- ارتباط و پیوستگی موجودات 2- عدم نظم و قاعده در کار جهان

3- نظام حاکم بر روابط میان موجودات 4- نظام و قانونمندی جهان هستی

5- اگر گفته شود، هیچ چیز در جهان خود به خود و از روی «صدفه» و اتفاق، پدید نمی-آید به نفی.....که مبنای.....است، خط بطلان کشیده ایم.

1- قانون نظم- تمام علوم 2- اصل علیت- تمام علوم

3- قانون نظم- فلسفه و حکمت 4- اصل علیت- فلسفه و حکمت

6- کدام گزینه مفهوم اصل علیت را بیان می-کند؟

1- جهان مجموعه-ی به هم پیوسته و مرتبط الاجزاء است

2- جهان هستی منظم و قانونمند است

3- مجموعه-ی جهان در سیر تکاملی خود به سوی یک مقصد رهسپار است

4- نظام هستی یک نظام ضروری و حتمی و تخلف ناپذیر است

7- اگر گفته می-شود: «نظام هستی، نظامی قطعی و وجوبی است» معنای این عبارت این است که.....مقدم بر.....است و آن جا که نظام جهان را به صورت دستگاهی منظم و مرتب می-یابیم بدان جهت است که بین علت و معلول.....حاکم است؟

1- وجود-وجوب- سنخیت 2- وجود- وجوب- هم زمانی

2- وجود- وجود- هم زمانی 4- وجود- سنخیت

8- جمله-ی «علل معین را معلول های معینی است» بیانگر چه اصلی است؟

1- امتناع تسلسل علل 2- سنخیت علت و معلول

3- علیت 4- علت غایی

9- معنای ضرورت و لا یتخلف بودن نظام وجود کدام است؟

1- در نفس الامر رابطه-ی میان ماهیت و وجود از سه حال ضرورت، امتناع، و امکان خارج نیست

2- در نفس الامر، شیء به واسطه-ی بودن علت، ضروری الوجود و یا به واسطه-ی نبودن علت، ضروری العدم است

3- در واقع امر رابطه-ی انسان و خدا ضروری و بازگشت انسان به سوی خدا هم حتمی است

4- در واقع امر رابطه-ی میان موجودات عالم از سه حال، ضرورت، امتناع و امکان خارج نیست

10- دو اصلی که نفس ارتباط و پیوستگی موجودات عالم و نظام حاکم بر روابط را معلوم می-سازد به ترتیب کدام اند؟

1- امتناع تناقض- علیت 2- سنخیت- علیت

3-علیت- امتناع تناقض

4-علیت- سنخیت

11-کدام یک از ابیات صریح تر بر مضمون قاعده-ی «الواحد» 10(صل سنخیت) دلالت می-کند؟

1-اگر یک ذره را بر گیری از جای / خلل یابد همه عالم سراپای

2-حمد بی حد را سزد ذاتی که بی همتاستی / واحد یکتاستی هم خالق اشیاستی

3-این همه عکس می و نقش نگارین که نمود/یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

4-خسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد/ این همه نقش در آینه-ی اوهام افتاد

12-نظام حاکم بر موجودات عالم و نفس ارتباط و پیوستگی را به ترتیب کدام اصول معین می-کنند؟

1-سنخیت علت و معلول- علیت

2-علیت- سنخیت علت و معلول

3-ضرورت علی و معلولی- علیت

4- سنخیت علت و معلول-ضرورت

13-اطمینان بخش ترین برهان، برهان.....است، به دلیل متکی بودن بر اصل.....که نتیجه اش.....است.

1-لمی-سنخیت علت و معلول-نظام معین هستی

2-اتی- سنخیت علت و معلول- نظام معین هستی

3-لمی- هویت تعلق معلول- تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی

4-اتی- هویت تعلق معلول- تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی

14-در پرتو کدام اصل و قاعده، نظام جهان انتظام می-یابد و در اندیشه-ی ما به صورت دستگاهی منظم و مرتب در می-آید که هر جزء آن جایگاه به خصوصی دارد؟

1-سنخیت علت و معلول- الشیء ما لم یجب لم یوجد

2-سنخیت علت و معلول-الواحد لا یصدر عنه الا الواحد

3-ضرورت علت و معلول- الشیء ما لم یجب لم یوجد

4-ضرورت علت و معلول- الواحد لا یصدر عنه الا الواحد

15-آیه-ی شریفه-ی «فلن تجد لسنة الله تبديلا ۚ و لن تجد لسنة الله تحویلا ۚ» با توجه به معنای «سنت» بیش از هر چیز مؤید کدام اصل فلسفی است؟

1-سنخیت

2-علیت

3-ضرورت

4-واقعیت

16-نظام حاکم بر روابط بین علت ها و اینکه جهان هستی دستگاه منظمی است، که هر جزء آن جایگاه به خصوص دارد، بیانگر کدام اصل است؟

1-تقدم وجوب بر وجود

2-تقدم وجود بر وجوب

3-سنخیت علت و معلول

4-ضرورت علت و معلول



17- در فهم قانون «علیت» بین دو مفهوم «وجود و وجوب» تقدم از آن.....است و پیوستگی بین «علت و معلول» که در پرتو آن جهان انتظام پیدا می-کند، اصل.....را رقم می-زند و آن به این معنی است که.....

1- وجوب- وجوب علی و معلولی- هر معلولی نیاز به یک علت تامه دارد

2- وجود- وجوب علی و معلولی- هر معلولی نیاز به یک علت تامه دارد

3- وجوب- سنخیت علت و معلول- از علت خاص معلول خاص نتیجه می-شود

4- وجود- سنخیت علت و معلول- از علت خاص معلول خاص نتیجه می-شود

18- با توجه به دو بیت زیر:

جهان چون خط و خال و چشم و ابروست/ که هر چیزی به جای خویش نیکوست

اگر یک ذره را بر گیری از جای/ خلل یابد همه عالم سرا پای

کدام مفهوم فلسفی، زمینه-ی پذیرش می-یابد؟

1- اصل سنخیت علت و معلول، به این معنی که از علت های خاص معلول های خاص صادر می-شود

2- اصل بطلان تسلسل علل، به این معنی که استمرار علت و معلول و عدم انتهایش به یک علت قائم به ذات ، محال است

3- اصل تقدم وجوب بر وجود، به این معنی که الوجود ما لم یجب لم یوجد (وجود تا به مرحله-ی ضرورت نرسد، وجود پیدا نمی-کند

4- اصل علیت و معلولیت، به این معنی که هر امر ممکن به علتی که وجوب دهنده-ی به آن است، متعلق و وابسته و نیازمند است

19- اصطلاح «وجوب علی و معلولی» کجا مطرح می-شود و قاعده-ی «ترجیح بلا مرجح محال است» چه پیامی دارد؟

1- در تبیین امکان ذاتی- خروج از حالت تساوی وجود و عدم، نیازمند به یک عامل بیرونی هستی بخش است

2- در تبیین امکان ذاتی- خروج از حالت تساوی وجود و عدم، نیازمند به یک عامل درونی هستی بخش است

3- در فهم واجب الوجود و ممکن الوجود- خروج از حالت تساوی وجود و عدم، نیازمند به یک عامل بیرونی هستی بخش است

4- در فهم واجب الوجود و ممکن الوجود- خروج از حالت تساوی وجود و عدم نیازمند به یک عامل درونی هستی بخش است

20- با توجه به «اصل ضرورت علی و معلولی»، «اصل سنخیت» و «اصل علیت» به ترتیب کدام نتیجه استخراج می-شود؟

1- نظام معین هستی- تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی- ارتباط و پیوستگی موجودات جهان

- 2-ارتباط و پیوستگی موجودات جهان-تخلف ناپذیری و حتمیت- نظام معین هستی
- 3-تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی- ارتباط و پیوستگی موجودات جهان- نظام معین هستی
- 4-تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی- ارتباط و پیوستگی موجودات جهان
- 21-وقتی به یک نهال از هر جهت رسیدگی می-کنیم و شرایط لازم برای رشد و سلامت آن را فراهم می-کنیم، لزوماً انتظار شادابی و رشد این نهال را داریم، این انتظار نشان دهنده-ی چیست؟
- 1-اصل سنخیت میان علت و معلول و نیز اصل ضرورت علی که باعث پیوستگی قطعی موجودات است
- 2-اصل ضرورت علی که از فروع اصل علیت و بیانگر نظام قطعی و لا یتخلف است
- 3-باور قطعی انسان به اصل سنخیت میان علت و معلول و پیوستگی میان موجودات
- 4-باور همگانی و ناخود آگاه انسان به اصل ضرورت علی که از فروع اصل علیت است
- 22- هر یک از مفاهیم «کلیت»، «ضرورت» و «ارتباط»، به ترتیب با توجه به کدام اصل عقلی در حکمت مشاء اثبات می-گردد؟
- 1-سنخیت علت و معلول- وجوب علی و معلولی- علیت
- 2-وجوب علی و معلولی- سنخیت علت و معلول- علیت
- 3-علیت- وجوب علی و معلولی- سنخیت علت و معلول
- 4-علیت- سنخیت علت و معلول- وجوب علی و معلولی
- 23-مطابق قواعد فلسفی، رابطه-ی ایجاب و ایجاد چگونه است؟
- 1-حیثیت ایجاب تقدم زمانی بر حیثیت ایجاد دارد
- 2-حیثیت ایجاب تقدم ذاتی بر حیثیت ایجاد دارد
- 3-حیثیت ایجاد تقدم ذاتی بر حیثیت ایجاب دارد
- 4-حیثیت ایجاد تقدم زمانی بر حیثیت ایجاب دارد
- 24-با توجه به مباحث علت و معلول، کدام نظر صحیح است؟
- 1-وجوب و وجود لازم و ملزوم یک دیگرند
- 2-وجوب مقدم بر وجود است
- 3-وجود مقدم بر وجوب است
- 4-وجود و وجوب هر دو معلولند
- 25-قاعده-ی فلسفی «الشیء ما لم یجب لم یوجد» بیانگر کدام اصل در باب علت و معلول است؟
- 1-وجوب مقدم بر وجود
- 2-وجود مقدم بر ایجاد
- 3-ضرورت علی و معلولی
- 4-سنخیت علی و معلولی
- 26-وجوب علی و معلولی، با حضور چه چیز محقق می-شود و در عرصه-ی وجود و وجوب، حق تقدم با چیست و انتظام جهان بر خاسته از چیست؟

- 1- علت ناقصه- وجوب- وجوب علی و معلولی
- 2- علت ناقصه- وجود- وجوب علی و معلولی
- 3- علت تامه- وجوب- سنخیت علت و معلول
- 4- علت تامه- وجود- سنخیت علت و معلول

#### پاسخنامه

- 1- گزینه سه 2- گزینه دو 3- گزینه یک 4- گزینه دو 5- گزینه دو 6- گزینه یک 7- گزینه چهار 8- گزینه دو
- 9- گزینه دو 10- گزینه چهار 11- گزینه یک 12- گزینه یک 13- گزینه یک 14- گزینه دو 15- گزینه یک 16
- گزینه سه 17- گزینه سه 18- گزینه یک 19- گزینه یک 20- گزینه چهار 21- گزینه چهار 22- گزینه یک 23
- گزینه دو 24- گزینه دو 25- گزینه سه 26- گزینه سه

#### درس 5

#### خدا در فلسفه (1)

تاریخ فلسفه نشان می دهد که «از همان ابتدای شکل گیری فلسفه و تفکر فلسفی) بحث و گفتگو در باره خدا در جریان بوده و این موضوع در صدر مسائلی قرار داشته که فیلسوفان بررسی کرده اند. در این درس و درس بعد به دیدگاه فیلسوفان در باره خدا پرداخته می شود.

دیدگاه فیلسوفان در باره خدا به 4 بخش تقسیم می شود:

بخش اول: دوره ایران باستان

بخش دوم دوره یونان باستان : الف - افلاطون ب- سقراط

بخش سوم: دوره جدید اروپا: الف- دکارت (عقل گرا) ب- دیوید هیوم(حس گرا) ج- کانت(عقل گرا)

د- دیدگاه فلاسفه اروپایی پس از کانت

بخش چهارم: فلاسفه مسلمان

بخش اول دیدگاه فلاسفه ایران باستان:

بر اساس الف- گزارش های اسطوره ای و نمادینی که به دست ما رسیده ب- نظر فیلسوفانی مانند سهروردی ، نشان می دهد که حکما در آن زمان :

1- شناختی روشن از مبدأ هستی داشته اند

2- خدا را نور هستی می دانستند که با پرتو و اشراق خود پدیده ها را ظاهر می سازد

3- از نخستین پرتو و مخلوق «بهمن» سخن گفته اند

4- جهان را مخلوق خداوندی حکیم می دانسته اند

بخش دوم دیدگاه فلاسفه یونان باستان:

در جامعه یونان باستان الف- مردم: به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبدا و منشأ یک حقیقت در جهان می شمردند

ب- حاکمان و بزرگان جامعه یونان باستان: اجازه نمی دادند کسی با اندیشه شرک آلودشان مخالفت کند در چنین شرایطی ↓

سقراط: متهم شد که خدایانی را که همه به آن ها معتقدند انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید.

افلاطون: تصمیم گرفت با دقتی فلسفی و استدلالی در باره خدا صحبت کند و پندار هارا اصلاح نماید  
تیلور: «افلاطون ابداع کننده خدانشناسی فلسفی است»  
از نظر افلاطون:

1- کار خداوند هدف دار است 2- خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است  
3- دیدگاه افلاطون در باره خدا با چند خدایی یونان متفاوت است زیرا در چند خدایی «خلقت آگاهانه» معنا ندارد و شکل دیگری از کفر و بی خدایی است  
توصیف افلاطون از خداوند:

1- پیوسته ثابت است 2- نه می زاید و نه از میان می رود 3- نه چیز دیگری را به خود راه می هد و نه خود به چیز دیگری فرو می شود 4- نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است (غیر مادی) 5- فقط با «تفکر و تعقل» می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد.  
از نظر ارسطو:

ارسطو تلاش کرد برهان هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان ارائه کند.  
استدلال اول ارسطو:

مقدمه اول: هر جا که یک خوب و بهتر وجود دارد خوب ترین و بهترین هست

مقدمه دوم: در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند

نتیجه: حقیقتی که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که «واقعیت الهی» است.

استدلال دوم ارسطو:

مقدمه اول: بر جهان نظم و انتظام حاکم است

مقدمه دوم: نظم بدون موجودی جاویدان و برتر از ماده ممکن نیست

نتیجه: پس جهان ناظمی جاویدان و برتر از ماده دارد «که خداوند است»

بخش سوم دوره جدید اروپا:

استدلال دکارت (عقل گرا):

مقدمه اول: من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم

مقدمه دوم: این تصور نمی تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی ام

نتیجه: پس این تصور از من و هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه از وجود نامتناهی است «خداوند» اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد.

دیدگاه دیوید هیوم (حس گرا):

منکر اثبات خداوند از طریق عقل است و می گوید:

الف- دلایل صرفاً عقلی مردود است زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد

ب- مهم ترین برهان فیلسوفان الهی « برهان نظم » است که از تجربه گرفته شده اما این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد

ج - بر اساس نظم موجود جهان، شما حداکثر می توانید یک ناظم و مدبر را اثبات کنید اما نمی توانید به یک خالق نامتناهی و واجب الوجود بالذات برسید.

دیدگاه کانت (عقل گرا):

کانت خداوند را از طریق « اخلاق و اصول اخلاقی » اثبات کرد.

توضیحات کانت:

1- زندگی بدون اصول اخلاقی و رعایت آن ها امکان پذیر نیست و هرچ و مرج پیش می آید

2- مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها از انسان «دارای اختیار» معنا دارد

3- این اختیار نمی تواند ویژگی بدن باشد که مادی است بلکه باید ویژگی نفسی غیرمادی و فنا ناپذیر باشد

4- این روح و نفس که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی جاودانه است، برای سعادت دائمی خود به جهانی ماورای دنیای ما نیاز دارد

5- چنین جهانی مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است

دیدگاه فیلسوفان پس از کانت

1- یک دسته مانند هیوم و کنت بر آن بودند که چون ابزاری جز حس و تجربه نداریم، یا خدایی نیست و یا نمی توانیم آن را اثبات کنیم

2- دسته دیگر از تجربه های درونی و عشق و عرفان برای اثبات خدا استفاده کردند

ویلیام جیمز:

«من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است»

3- در قرن بیست و بیست و یک فیلسوفانی ظهور کردند که رابطه میان «اعتقاد به خدا و معنا داری زندگی» توجه کردند.

کرکگور:

«ایمان هدیه ای است که خداوند به انسان عطا می کند؛ خدا انسان مؤمن را بر می گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد»

کاتینگهام:

«قبول خداوند زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش ترین واقعیت می سازد و این امید را می دهد که به جای این که احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم که در آن هیچ امری در نهایت اهمیت ندارد، می توانیم مأمن و پناهگاهی بیابیم»

سوالات درس 5

1- بحث و گفت گو در باره خدا از چه زمانی در فلسفه و تفکر فلسفی مطرح شد؟

پاسخ: تاریخ فلسفه نشان می دهد که از همان ابتدای شکل گیری فلسفه و تفکر فلسفی، بحث و گفتگو در باره خدا در جریان بوده و در صدر مسائل فلسفی قرار گرفته است.

2- دیدگاه حکمای ایران باستان در باره خدا چه بوده است؟

پاسخ: گزارش های اسطوره ای و نمادینی که از ایران باستان و نیز نظر فیلسوفانی مانند سهروردی به دست رسیده است، نشان می دهد:

1- حکما در آن زمان شناخت روشنی از مبدأ هستی داشته اند

2- خدا را نور هستی می دانستند که با پرتو خود پدیده ها را ظاهر می سازد و خلق می کند

3- جهان را مخلوق خداوند حکیم می دانستند

4- از نخستین پرتو و مخلوق خداوند (بهمن) سخن گفته اند.

3- حکما از نخستین مخلوق خدا سخن گفته و او را.....نامیده اند.

پاسخ: بهمین

4- مردم و حاکمان یونان باستان در باره خدا چه اعتقادی داشتند؟

پاسخ: مردم الف- به خدایان متعدد اعتقاد داشتند ب- هر خدا را مبدأ و منشأ یک حقیقت می شمردند ج- اعتقاد به این خدایان چنان عمیق بود که انکار آن ها طرد از جامعه یونان و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت.

حاکمان – اجازه نمی دادند کسی با اندیشه شرک آلودشان مخالفت کند

5- چند نمونه از خدایان یونان باستان را نام برده و بنویسید که از نظر مردم هر یک مربوط به حقیقتی بوده اند.

پاسخ: 1- زئوس: خدای آسمان و باران 2- آپولون: خدای خورشید و هنر و موسیقی 3- آرتمیس: خدای

عفت و خویشتن داری

6- آیا سقراط دیدگاه مردم و حاکمان یونان باستان را در باره خدایان قبول داشت؟

پاسخ: خیر اتهام اصلی سقراط این بود که « او خدایانی را که همه به آن ها معتقدند انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید».

7- افلاطون چگونه درصدد اصلاح پندارها در باره خدا بر آمد؟

پاسخ: با دقت فلسفی و سخن به روش استدلالی

8- تیلور .....را ابداع کننده خدا شناسی فلسفی می داند.

پاسخ: افلاطون

9- به نظر افلاطون چرا خداوند با آنچه مردم یونان باستان معتقد بودند، متفاوت است؟

پاسخ: زیرا از نظر افلاطون کار خداوند «هدف دار» است.

به عبارت بهتر خدا نزد افلاطون خدای معین با ویژگی های روشن است و با چند خدایی یونان تفاوت دارد زیرا در چند خدایی: الف- خلقت آگاهانه معنا ندارد ب- چند خدایی شکل دیگری از کفر و بی خدایی است.

10- افلاطون خداوند را چگونه توصیف می کند؟

پاسخ: 1- پیوسته ثابت است ( تغییر و تحول ندارد) 2- نه می زاید و نه از میان می رود 3- نه چیزی را به خود راه می دهد و نه در چیز دیگری فرو می شود 4- نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است 5- فقط با تفکر و تعقل ( استدلال عقلی) می توان به او دست یافت.

11- ارسطو از چه طریقی در صدد اثبات وجود خدا بر آمد؟

پاسخ: ارسطو که از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود، تلاش کرد برهان هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان ارائه دهد

12- اهمیت استدلال های ارسطو در اثبات وجود خدا چه بود؟

پاسخ: این استدلال ها گرچه قدم های اولیه بوده اند اما: الف- از استحکام خاصی برخوردارند ب- زمینه قدم های بعد را فراهم می کنند.

13- دو استدلال از ارسطو بر اثبات وجود خدا بنویسید؟

پاسخ:

گروه مشاوره فراهوش

استدلال اول ارسطو:

مقدمه اول: هر جا که یک خوب و بهتر وجود دارد خوب ترین و بهترین هست

مقدمه دوم: در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند

نتیجه: حقیقتی که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که «واقعیت الهی» است.

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

استدلال دوم ارسطو:

مقدمه اول: بر جهان نظم و انتظام حاکم است

مقدمه دوم: نظم بدون موجودی جاویدان و برتر از ماده ممکن نیست

نتیجه: پس جهان ناظمی جاویدان و برتر از ماده دارد «که خداوند است»

14- دوره جدید اروپا از چه قرن هایی شکل گرفت و دو جریانی که بر باور فیلسوفان در باره خدا تأثیر گذار بود، چه جریان هایی بودند؟

پاسخ: از قرن های چهاردهم و پانزدهم و پیدایش دو جریان عقل گرا و حس گرا / تجربه گرادر فلسفه

15- یک استدلال از دکارت فیلسوف عقل گرای قرن هفدهم، در اثبات وجود خدا بنویسید.

پاسخ: استدلال دکارت (عقل گرا):

مقدمه اول: من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم

مقدمه دوم: این تصور نمی تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی ام

نتیجه: پس این تصور از من و هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه از وجود نامتناهی است «خداوند» اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد.

16- دیدگاه هیوم در باره خدا چیست و آیا دلایل فیلسوفانی همچون دکارت را می پذیرد؟

پاسخ: خیر نه تنها دلایل دکارت، بلکه دلایل گذشتگان را نیز قابل نقد می داند زیرا به اعتقاد او:

الف- دلایل صرفاً عقلی مردود است زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد

ب- مهم ترین برهان فیلسوفان الهی «برهان نظم» است که از تجربه گرفته شده اما این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد

ج - بر اساس نظم موجود جهان، شما حداکثر می توانید یک ناظم و مدبر را اثبات کنید اما نمی توانید به یک خالق نامتناهی و واجب الوجود بالذات برسید.

17- هیوم اثبات وجود خدا را به وسیله عقل مردود می داند و این نظر هیوم مقابل دیدگاه ..... قرار می گیرد.

پاسخ: دکارت

18- فرق کانت (عقل گرا) با فیلسوفان عقل گرای پیشین برای پذیرش وجود خدا چه بود؟

پاسخ: کانت به جای اثبات وجود خدا از طریق برهان علیت و یا وجوب و امکان، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.

18- توضیحات کانت بر اثبات وجود خدا از طریق اخلاق و اصول اخلاقی را بنویسید.

پاسخ:



1- زندگی بدون اصول اخلاقی و رعایت آن ها امکان پذیر نیست و هرج و مرج پیش می آید

2- مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها از انسان «دارای اختیار» معنا دارد

3- این اختیار نمی تواند وی ژگی بدن باشد که مادی است بلکه باید وی ژگی نفسی غیرمادی و فنا ناپذیر باشد

4- این روح و نفس که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی جاودانه است، برای سعادت دائمی خود به جهانی ماورای دنیای ما نیاز دارد

5- چنین جهانی مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است

19- به نظر کانت روح و نفس مجرد سعادتش در کسب..... و..... است.

پاسخ: فضیلت- رعایت اصول اخلاقی

20- به نظر کانت، لازمه رسیدن انسان به سعادت دائمی چیست؟

پاسخ: جهانی ماورای دنیا که چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدای جاودان و نامتناهی است.

21- بعد از کانت جریان قالب اروپا را چه جریان هایی شکل می داد چرا؟ و فیلسوفان این دوره چه دیدگاهی در باره خدا داشتند؟

پاسخ: حس گرا و تجربه گرا با توجه به اینکه به مبنای خود (حس و تجربه) نمی توانستند از برهان عقلی محض استفاده کنند، به دو دسته تقسیم شدند:

1- یک دسته مانند هیوم و اوگوست کنت بر آن بودند که چون ابزاری جز حس و تجربه برای شناخت نداشتند، معتقد بودند الف- یا خدایی نیست ب- یا نمی توانیم آن را اثبات کنیم.

توجه: پس جریان حس گرا مطلقاً منکر وجود خدا نبودند، زیرا برخی در این حد نظر می دانند که خداوند با حس قابل اثبات نیست.

2- دسته دیگر مانند ویلیام جیمز و برگسون، از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خدا استفاده کردند.

22- ویلیام جیمز و برگسون از..... برای اثبات وجود خدا استفاده کردند.

پاسخ: تجربه های معنوی و درونی و عشق و عرفان (منظور شهود است)

23- در قرن بیست و یکم در اروپا نظر فیلسوفان در عین اعتقاد راسخ به خداوند، در باره اثبات وجود خدا چه بود؟

پاسخ: به جای ذکر دلایل اثبات وجود خدا، «رابطه میان اعتقاد به خدا و معنا داری زندگی» توجه کرده و نشان دادند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که منشأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلأ معنایی و پوچی آزار دهنده ای می شود.

24- زندگی معنا دار چیست و نتیجه داشتن چنین زندگی کدام است؟

پاسخ یک زندگی دارای «غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی» است که الف- انسان را به آینده مطمئن می کند ب- آرامشی برتر به او می دهد.

25- نظر کرکگور در باره خداوند چیست؟

پاسخ: کرکگور:

«ایمان هدیه ای است که خداوند به انسان عطا می کند؛ خدا انسان مؤمن را بر می گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد»

26- نظر کاتینگهام در باره خدا چیست؟

پاسخ: «قبول خداوند زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش ترین واقعیت می سازد و این امید را می دهد که به جای این که احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم که در آن هیچ امری در نهایت اهمیت ندارد، می توانیم مأمّن و پناهگاهی بیابیم»

27- به نظر کاتینگهام از چه زمانی عامل «معنا بخشی به زندگی بشر» در اثبات وجود خداوند مطرح شد؟

پاسخ: این فیلسوف در کتاب خود می نویسد که پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی فیلسوفان به این سمت حرکت کردند که خدا عامل اصلی معنا بخشی به زندگی است.

### سوالات تست

1- کدام فیلسوف را می توان ابداع کننده خداشناسی فلسفی دانست؟

1- سقراط 2- افلاطون 3- دکارت 4- ارسطو

2- دکارت خدا را از چه طریقی اثبات می کند؟

1- نظم موجود در جهان 2- تصویری که ما از او در ذهن داریم

3- تجربه های درونی انسان 4- ضمانت اصول اخلاقی

3- کانت سعی می کند تا وجود خداوند را از طریق استدلالی بر مبنای ..... اثبات کند.

1- وجود جهانی نامتناهی 2- اخلاق و وظایف اخلاقی

3- تصور یک وجود نامتناهی 4- نظم موجود در جامعه انسانی

4- کدام گزینه از اوصاف خداوند در فلسفه افلاطون محسوب نمیشود؟

1- ثابت بودن 2- نامحسوس بودن 3- جاودان بودن 4- تکامل یافتن

- 5- آنچه افلاطون را از فیلسوفان پیش از او در مباحث خداشناسی جدا می کند چیست؟
- 1- اعتقاد افلاطون به خدایی یگانه و معین 2- صحبت از خدا با دقتی فلسفی و استدلالی
- 3- غیر مادی و مجرد انستن خداوند 4- اعتقاد او به جاودانگی هستی برتر
- 6- بر اساس قواعد فلسفی مربوط به رابطه علیت می توان گفت برهان دکارت برای اثبات وجود خدا بر.....استوار است.

- 1- سنخیت علت و معلول 2- وجوب علی و معلولی 3- تقدم وجوب بر وجود 4- نفی اتفاق
- 7- مهم ترین نقد به برهان اثبات خدای کانت چیست؟

- 1- وجود یک واجب الوجود بالذات را پیش فرض گرفته است
- 2- بر مبنای تصور ذهنی یک موجود نامتناهی استوار است
- 3- نیاز انسان به وجود خدا را اثبات می کند نه وجود او را
- 4- الزام انسان به رعایت اخلاق را اثبات می کند نه وجود خدا را
- 8- منظور دقیق فیلسوفان معاصر از زندگی «معنا دار» چیست؟

- 1- زندگی بر اساس فرامین و دستورات الهی 2- زندگی سرشار از تجربه های عرفانی و معنوی
- 3- زندگی دارای هدف و ارزش های اسلامی 4- زندگی غیر روزمره و همراه با تفکر فلسفی
- 9- خدایان هنر، باران و خویشتنداری در یونان باستان به ترتیب چه نام داشتند؟

- 1- زئوس- آپولون- آرتمیس 2- آپولون- آرتمیس- زئوس
- 3- آرتمیس- زئوس- آپولون 4- آپولون- زئوس- آرتمیس

10- کدام مورد در خصوص اعتقاد حکمای ایران باستان نادرست است؟

- 1- اصل سنخیت در خالق و مخلوق را رعایت کرده اند
- 2- از آن جا که بهمن مجرد است هیچ ماهیتی ندارد و سراسر وجود است
- 3- خداوند با اشراق خود پدیده ها را ظاهر می سازد
- 4- خداوند با اشراق خود پدیده ها را خلق می کند

پاسخنامه

- 1- گزینه دو 2- گزینه دو 3- گزینه دو 4- گزینه چهار 5- گزینه دو 6- گزینه یک 7- گزینه سه 8-
- گزینه یک 9- گزینه چهار 10- گزینه دو



درس 6

«خدا در فلسف 2»

در درس قبل مختصری از نظرات فلاسفه ایران و یونان باستان و همچنین فلاسفه دوره جدید اروپا در باره خدا داده شد.

INSTAGRAM : FARA HOOSH99

در این درس نظرات فلاسفه اسلامی در باره خدا بیان می شود.

WEB : FARAHOOSH99.IR

نکته مهم:

بحث فیلسوف ، خواه مسلمان خواه مسیحی و خواه پیرو هر مسلک دیگری تا وقتی فلسفی است که:

1- از روش «استدلال عقلی محض» تجاوز نکند

2- فیلسوف نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی (استدلال عقلی) عرضه نماید

پس: فیلسوف کسی است که : الف- بر اساس قواعد فلسفی عقیده ای را پذیرفته ب- و با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند.

نکته:

فیلسوف معتقد به خدا از طریق «استدلال» به خدا اعتقاد پیدا کرده و از همین طریق از خدا دفاع می کند. تذکر: در فلسفه یازدهم آموختیم که آخرین مرحله تفکر فلسفی ، «دریافت فلسفی» است، که دریافت فلسفی یعنی اینکه برای آنچه که پذیرفته ای دلیل بیاوری.

### اثبات وجود خدا از طریق عقل و استدلال

از فلاسفه اروپایی «برخی» به این نتیجه رسیده بودند که می توان وجود خدا را از طریق عقل اثبات کرد؛ اما فلاسفه مسلمان از فارابی تا ملاصدرا و فلاسفه معاصر، (عموم فلاسفه مسلمان) معتقدند که اثبات وجود خدا از طریق «استدلال عقلی» امکان پذیر است.

### استدلال های فلاسفه مسلمان بر اثبات وجود خدا:

#### استدلال فارابی

بیان فارابی برای اثبات وجود خدا چنین است:

الف- در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیز های دیگرند  
ب- وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط بر وجود علت است (اصل تقدم علت بر معلول)

ج- اگر معلولی که «اکنون موجود است» علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار این معلول هم علت دیگری دارد ، حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیاز است ، اکنون اگر زنجیره این علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش رود و منتهی به علتی نشود که خود معلول دیگری نباشد، «تسلسل علل نامتناهی» پیش می آید و چنین تسلسلی محال است زیرا:

اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلا نوبت به معلولی «که هم اکنون پیش روی ماست» نمی رسد؛

به عبارت دیگر ، ابتدا داشتن سلسله بی نهایت، خود متناقض و غیر ممکن است.

توجه: **INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99**

فارابی اینگونه بطلان تسلسل علل را نیز اثبات می کند . **WEB : FARAHOOSH99.ID**

توضیح:

این معلول مثلا «گل» که اکنون پیش روی ماست ، وجود دارد ، این معلول نمی تواند خود به خود به وجود آید (بدون علت) اما علت نهایی آن باید برای موجود شدن به علت دیگری نیاز نداشته باشد تا هم خود باشد و هم تمام زنجیره علت های قبل خود را به وجود آورد؛ در غیر این صورت به ناچار باید گفت ، چیزی که نیست در عین حال هست شود(هستی و نیستی در آن واحد در یک چیز جمع شود) و این تناقض است.

مثال: کتاب های یک کتابخانه را در نظر آورید، کتاب اول به کتاب دوم تکیه کرده و کتاب دوم به کتاب سوم و کتاب سوم به کتاب چهارم... حال آیا می شود آخرین کتب بدون اینکه بر جایی تکیه کرده باشد ، ایستاده باشد؟ پاسخ منفی است اما آن عامل آخر (دیواره قفسه) که علت قائم بودن تمام کتاب هاست،

خود نباید به جای دیگری تکیه داشته باشد در غیر این صورت این زنجیره ادامه پیدا خواهد کرد و به جایی نخواهد رسید.

نتیجه برهان فارابی:

پس در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش واجب الوجود و «علة العلل» موجودات دیگر است» که آن علت العلل خداوند است.

توجه:

فارابی در برهان خود از یک اصل بدیهی استفاده کرده است و آن اصل این است «تقدم علت بر معلول»

مجهول فارابی: آیا جهان علة العلل دارد؟ معلوم فارابی: تقدم علت بر معلول

برهان ابن سینا در اثبات وجود خدا (برهان وجوب و امکان)

مجهول ابن سینا: آیا واجب الوجود بالذات، وجود دارد؟

معلوم ابن سینا: اصل واقعیت مستقل از ذهن آدمی (واقعیتی هست)

خلاصه برهان ابن سینا:

- 1- موجوداتی در عالم خارج هستند؛ حال می بینیم این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند (ممکن الوجود بالذات)
- 2- ممکن الوجود بالذات برای اینکه از حالت تساوی خارج شده و هست شود، نیاز به واجب الوجود بالذات دارد؛ (موجودی که وجود ذاتی او باشد).
- 3- پس موجودات این جهان به واجب الوجود بالذات وابسته اند که آن ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورد. (آن واجب الوجود بالذات خداست).

دیدگاه فلاسفه مسلمان در باره خدا و معنا داری حیات:

فلاسفه مسلمان وجود خدا و تأثیر آن در حیات انسانی را شبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر می دانند؛

توضیح: آنان می گویند که بشر ابتدا از طریق حواس به وجود آب پی می برد و آن را یک امر واقعی می یابد؛ آنگاه آن را می نوشد آب «واقعی» است که نیاز او را برطرف می کند و سیراب می سازد.

از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیار های یک زندگی معنا دار را به دست آورد.

معیار های یک زندگی معنا دار از نظر یک فیلسوف الهی

1- جهان را غایتمند بیابد و آن را توضیح دهد

- 2- انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند
- 3- برای گرایش فطری انسان به خیر و زیبایی معادل و مابالاء واقعی قائل شود
- 4- آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند
- 5- در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد
- توجه: اگر فیلسوفی نتواند وجود چنین خدایی را اثبات کند، امکان پذیرش پنج گزاره فوق را از دست می دهد.

### تذکر و تأمل:

- اگر چه در فلسفه ابن سینا به روش استدلال عقلی توجه شده است و وجود خداوند را با دلایل فلسفی (عقلی) اثبات می کند، در عین حال توصیفی مبتنی بر «عشق» از رابطه خدا، جهان و انسان ارائه می دهد که می تواند در بر دارنده برخی از معیار های زندگی معنا دار باشد.
- تطبیق سخن ابن سینا با معیار های پنجگانه در رساله ای در باره «عشق»:
- الف- هر یک از ممکنات به واسطه حقیقت وجود خویش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان است: (معیار 3)
- ب- همین اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای ممکنات است، «عشق» می نامیم. (معیار 1-2-3)
- ابن سینا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می شود که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است. (معیار های 1-2-5).

### سوالات تشریحی

- 1- بحث در باره خدا تا چه هنگام فلسفی است؟ (پاسخ دو مورد است)
- پاسخ: تا وقتی که فیلسوف الف- از روش استدلال عقلی محض تجاوز نکند ب- نتایج تفکر خود را به صورت «استدلالی» عرضه کند.
- 2- در رابطه با اثبات وجود خدا، کار فیلسوفانه کدام است و فیلسوف چه کسی است؟
- پاسخ:
- الف- کسی است که بر اساس قواعد فلسف (استدلال عقلی محض) عقیده ای را پذیرفته
- ب- با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند
- یعنی: فیلسوف معتقد به خدا، از طریق استدلال به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا دفاع می کند.
- 3- آیا «امکان» اثبات خدا از طریق عقل و استدلال عقلی وجود دارد؟ دیدگاه فلاسفه اروپایی و فلاسفه مسلمان در این زمینه چیست؟
- پاسخ: «برخی» از فلاسفه اروپایی و «عموم» فلاسفه مسلمان از فارابی تا ملاصدرا و فلاسفه معاصر،

نظرشان بر این است که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است.

4- استدلال فارابی بر اثبات وجود خدا بر چه اصلی استوار است؟

پاسخ: «اصل تقدم علت بر معلول»

5- استدلال و برهان فارابی را در اثبات وجود خدا بنویسید. (مهم)

پاسخ:

بیان فارابی برای اثبات وجود خدا چنین است:

الف- در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند

ب- وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط بر وجود علت است (اصل تقدم علت بر معلول)

ج- اگر معلولی که «اکنون موجود است» علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار این معلول هم علت دیگری دارد، حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سوم نیاز است، اکنون اگر زنجیره این علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش رود و منتهی به علتی نشود که خود معلول دیگری نباشد، «تسلسل علل نامتناهی» پیش می آید و چنین تسلسلی محال است زیرا:

اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلاً نوبت به معلولی «که هم اکنون پیش روی ماست» نمی رسد،

به عبارت دیگر، ابتدا داشتن سلسله بی نهایت، خود متناقض و غیر ممکن است.

6- با توجه به برهان فارابی چرا سلسله علت ها نمی تواند تا بی نهایت پیش برود؟

پاسخ:

اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، «تسلسل علل نامتناهی» پیش می آید و چنین تسلسلی محال است؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلاً "نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد. به عبارت دیگر ابتدا داشتن سلسله بی نهایت، خود متناقض و غیر ممکن است. (زیرا لازمه آن این است که بدون علت هست شود و این محال عقلی است).

7- نتیجه برهان فارابی چیست؟

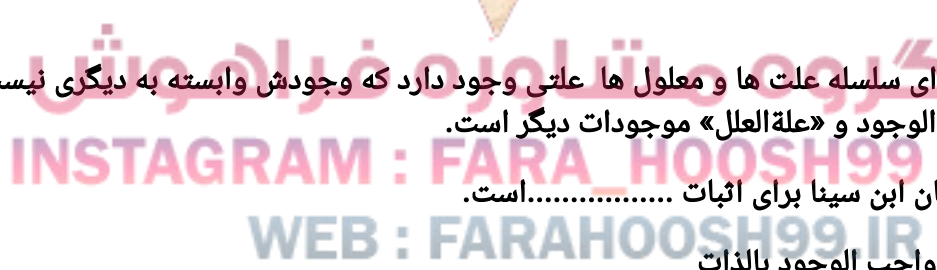
پاسخ:

در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش واجب الوجود و «علة العال» موجودات دیگر است.

8- برهان ابن سینا برای اثبات ..... است.

پاسخ: واجب الوجود بالذات

9- نام دیگر برهان ابن سینا برهان ..... است.





پاسخ: برهان وجوب و امکان

10- ابن سینا در ابتدای برهان خود به کدام اصل فلسفی اشاره می کند؟

پاسخ: اصل «واقعیت مستقل از ذهن آدمی» یا اصل «واقعیتی هست» (وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، یعنی موجوداتی جدای از ذهن ما هم در عالم خارج هستند و جهان هیچ در هیچ نیست).

11- استدلال یا برهان ابن سینا را در اثبات وجود خدا بنویسید. (مهم)

پاسخ:

1- موجوداتی در عالم خارج هستند؛ حال می بینیم این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم، (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند (ممکن الوجود بالذات)

2- ممکن الوجود بالذات برای اینکه از حالت تساوی خارج شده و هست شود، نیاز به واجب الوجود بالذات دارد؛ (موجودی که وجود ذاتی او باشد).

3- پس موجودات این جهان به واجب الوجود بالذات وابسته اند که آن ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورد. (آن واجب الوجود بالذات خداست).

12- فلاسفه مسلمان در کنار بحث «اثبات وجود خدا»، چه بحث دیگری را مطرح می کنند؟ (با مثال توضیح دهید)

پاسخ: بحث تأثیر اعتقاد به خدا در زندگی انسان و نقش آن در معنا بخشی به حیات بشری.

مثلا: آنان وجود خدا و و تأثیر آن در حیات انسانی را شبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر می دانند.

آنان می گویند که بشر ابتدا از طریق حواس به وجود آب پی می برد و آن را یک امر واقعی می یابد؛ آنگاه این آب واقعی را می نوشد؛ این آب واقعی است که نیاز او را بر طرف می کند و سیرایش می سازد.

خدا نیز همین گونه است؛ پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیار های یک زندگی معنا دار را به دست آورد.

13- معیار های یک زندگی معنا دار از نظر یک فیلسوف مسلمان کدام است؟

پاسخ:

1- جهان را غایتمند بیابد و آن را توضیح دهد

2- انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند

3- برای گرایش فطری انسان به خیر و زیبایی معادل و مابه ازاء واقعی قائل شود

4- آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند

5- در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد

14- آیا ابن سینا علاوه بر دلایل فلسفی، توصیفی دیگری نیز از خدا دارد؟ اگر پاسخ مثبت است این توصیف بر چه پایه ای است؟

پاسخ: بله ابن سینا که وجود خداوند را با دلایل فلسفی اثبات کرده است، در عین حال توصیفی مبتنی بر «عشق» از رابطه خدا و جهان و انسان ارائه می دهد که می تواند در بردارنده برخی از معیار های زندگی معنا دار باشد.

15- ابن سینا سبب بقای ممکنات را ..... می داند.

پاسخ: عشق

16- ابن سینا سبب بقای ممکنات را چه می داند؟ (سخن ابن سینا را بنویسید)

پاسخ: هر یک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، (معیار 3 گرایش فطری) همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان، همین اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای ممکنات (معیار 1-2-3-4) است، «عشق» می نامیم.

توضیح: فطرت خدا دادی انسان دارای ابعاد مختلفی است از جمله: 1- میل به پرستش 2- میل به حقیقت جویی 3- میل به زیبایی 4- میل به نیکی و گریز از بدی این فطرت میان تمام انسان ها مشترک است.

15- به اعتقاد ابن سینا عشق و محبت میان انسان و جهان ناشی از چیست؟

پاسخ: ابن سینا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان، از جاذبه عشق الهی ناشی می شود که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است.

16- پیام اشعار زیر از نظامی گنجوی را بنویسید.

فلک جز عشق محرابی ندارد	جهان بی خاک عشق، آبی ندارد
کسی کز عشق خالی شد، فسردهست	گرش صد جان بود، بی عشق مرده است
طبایع جز کشش کاری ندارند	حکیمان این کشش را عشق خوانند
گر اندیشه کنی از راه بینش	به عشق است ایستاده آفرینش

پیام:

عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می شود که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است.

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

سوالات تست

1- کدام فیلسوف در استدلال خود برای اثبات وجود خدا به باطل بودن تسلسل علل نامتناهی تکیه کرد؟

1- ملاصدرا 2- سهروردی 3- ابن سینا 4- فارابی

2- کدام گزینه کمک ملاصدرا در تکمیل کاری بود که ابن سینا انجام داده بود؟

1- اصالت وجود 2- وحدت وجود 3- اصل حقیقت وجود 4- مغایرت وجود و ماهیت

3- کدام گزینه از معیار های زندگی معنا دار نیست؟

1- غایتمند دانستن انسان و جهان 2- احساس تعهد در برابر یک موجود متعالی

3- امتیاز قائل شدن برای آرمان های فراتر از زندگی مادی

4- تحمل بر اساس فطرت انسانی

4- چه تعداد از موارد زیر در مورد برهان فارابی و شیخ الرئیس در اثبات وجود خدا درست است ؟

الف- مقدمه اول هر دو برهان به ممکن الوجود بودن ماهیت موجودات جهان اشاره دارد

ب- نقض مقدمه دوم این سینا برابر است با نقض اصل امتناع ترجیح بلا مرجح

ج- مسیر یکی از این براهین از علت به معلول و مسیر دیگری بالعکس است

1- صفر 2- یک 3- دو 4- سه

5- اگر علة العلل و واجب الوجود بالذات نباشد، کدام مشکل پیش می آید؟

1- در این صورت خود نیز باید علتی داشته باشد ، پس نمی تواند علة العلل باشد

2- چنین موجودی امکان وجود بخشیدن به موجودات دیگر را ندارد

3- علی رغم بطلان دور، در سیر علل دور ایجاد می شود

4- علی رغم وجود او، واجب الوجود بودن آن زیر سوال می رود

6- کدام یک از جملات زیر نباید از یک فیلسوف بیان شود؟

1- من دلیل وجود خداوند را در تجربه های شخصی درونی خود یافته ام

2- از آنجا که عقل ما محدود است خداوند را نمی توان اثبات کرد

3- محال بودن جمع نقیضین بدیهی است و قابلیت اثبات ندارد

4- عقل انسان همواره از تصورات خود تبعیت می کند

7- کدام یک از گزینه های زیر جزء اصول یا قواعد پذیرفته شده در استدلال فارابی برای اثبات وجود خداوند نیست؟

1- بطلان تسلسل علل نامتناهی 2- اصل تقدم وجود علت بر وجود معلول

3- اصل واقعیت جهان خارج از ذهن 4- اصل علیت و عدم قبول صدفه و اتفاق

8- کدام گزاره برای شرح تسلسل مناسب تر است؟

1- وجود علتی بالاتر بر تمام معلول ها

2- وجود واجب الوجود بالغیر که سر سلسله است

3- وجود علة العلل یا واجب الوجود برای جهان

4- غایتمندی جهان به واسطه وجود خالق